ادامه از صفحه ۶

احمدی‌نژاد چگونه احمدی‌نژاد شد

ایشان در آن جلسه دو ساعت طرحش را توضیح داد. بنا هم بود تا پایان صحبت ایشان حرفی نزنیم. ایشان وقتی صحبتش را تمام کرد، من رئیس جلسه بودم و اگرچه منشی جلسه کس دیگری بود ولی برای اینکه مطالب یادم بماند، چیزهایی را می‌نوشتم که خود آن نوشته‌ها چهار صفحه شد. قبل از اینکه من صحبت کنم، مرحوم آقای عسگراولادی گفت: «این برادر ما احساس می‌کند که اسلام را فقط او می‌شناسد، این برادر ما احساس می‌کند انقلاب را فقط او درک کرده است. این برادر ما احساس می‌کند امام را فقط او می‌شناسد». بنده هم خطاب به آقای احمدی‌نژاد گفتم: «آقای احمدی‌نژاد! من حرف‌های شما را خیلی دقیق گوش دادم، هرچه دقت کردم، هیچ نفهمیدم». یا سطح معلومات شما خیلی بالاست و ما نمی‌فهمیم شما چه می‌گویید یا اینکه حرف‌های «بالابری» می‌زنید. بعد از آن جلسه احمدی‌نژاد قهر کرد و رفت. فردایش هم نامه نوشت که من دیگر با جمع شما نیستم».

برنامه احمدی‌نژاد

طرح همکاری بین راست مدرن و احمدی‌نژاد آماده می‌شود. شورای نگهبان از هزارو ۱۴ نفری که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرده بودند شش نفر را تأیید صلاحیت می‌کند: محسن رضایی، علی اردشیرلاریجانی، محمدباقر قالیباف، محمود احمدی‌نژاد، علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، مهدی کروبی. اما دکتر مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده رد صلاحیت می‌شوند و بعد با «حکم حکومتی» به فهرست کاندیداها برمی‌گردند. رقابت کاندیداهای متعدد در دور اول انتخابات شروع می‌شود اما سه روز مانده به روز انتخابات، محسن رضایی با شعار «دولت عشق» از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری کناره‌گیری می‌کند و آن جمله خود در فیلم تبلیغاتی‌اش که می‌گفت: «فقط با گلوله کنار می‌روم» را در عمل فراموش می‌کند. محمدباقر قالیباف خلبان خوش‌پوش و تکنوکرات از ۱۶ فروردین ۸۴ از نیروی انتظامی استعفا می‌دهد و دومین گزینه‌ای می‌شود که راست مدرن در کنار حمایت از احمدی‌نژاد به او گرایش دارند و شاید بین احمدی‌نژاد-قالیباف به‌گفته طائب «باید یکی را قربانی کنند». اما دکتر مصطفی معین حمایت اکثریت طیف اصلاح‌طلبان را داشت و انتخاب اول روشنفکران و نخبگان شهری بود. در این زمان علی شکوری‌راد، رئیس ستاد انتخابات دکتر معین بود. علی لاریجانی به‌عنوان کاندیدای نهایی «جبهه متحد اصولگرا» از «هوای تازه» می‌گفت و به مطالبات راست سنتی و شهری‌ها توجه داشت. رئیس ستاد لاریجانی محمدرضا باهنر بود و او نیز مانند بیشتر اعضای ستاد لاریجانی، رغبت چندانی به پیروزی رئیس وقت صداوسیما (که البته چندماهی بود استعفا داده بود) نداشت و گاه با کاندیداهای دیگر اصولگرا، جلسات خصوصی داشتند... و این‌گونه شد که وقتی رؤسای ستاد همه کاندیداها، حتی مهرعلیزاده، که شانس کمتری برای پیروزی داشت، از «پیروزی قطعی و صددرصد» کاندیدای متبوع خود می‌گفتند، باهنر «ابراز امیدواری» می‌کرد تا «اگر خدا بخواهد آرای خوبی نصیب لاریجانی شود». اما احمدی‌نژاد طور دیگری عمل می‌کرد. او از عدالت اقتصادی می‌گفت و آزادی. برای همین در همان روزهای اول انتخابات به سراغ مهدی شهیدی‌کلهر می‌رود برای سپردن یکی از ستادهای انتخاباتی‌اش به او. کلهر نماد تساهل و تسامح برای احمدی‌نژاد بود. او از چادر مشکی انتقاد می‌کرد و از شیوه برخورد با بدحجابان. می‌گفت مگر همه مشکلات ما موی جوانان است؟ احمدی‌نژاد وعده می‌داد که نفت را سر سفره شهروندان خواهد آورد. او ادعا می‌کرد گفتمان انقلاب اسلامی را دوباره طرح می‌کند. گفت‌وگوی بدون واسطه با مردم و کاستن از سفرهای غیرضروری خارجی و خودداری از همراه‌بردن خانواده و افراد غیرلازم در سفرهای خارجی، بخش‌هایی از وعده‌هایی بود که احمدی‌نژاد قبل و بعد از انتخاب به ریاست‌جمهوری در این زمینه به مردم ایران می‌داد.

کارتمام شد

پنجم تیر ۱۳۸۵ روزنامه کیهان تیتر زد «مردم کار را تمام کردند». غلامعلی حدادعادل، رئیس مجلس هفتم شورای اسلامی، همان شب اعلام نتایج انتخابات به دیدار احمدی‌نژاد شتافت و کلید دفتر کار خود را در ساختمان قدیم مجلس در خیابان امام‌خمینی به رئیس‌جمهور منتخب داد تا کارهای ابتدایی تشکیل دولت نهم در آنجا صورت پذیرد. روزی که احمدی‌نژاد به بهارستان رفت، حدادعادل دست در دست او در مجلس چرخید و هر دو به خبرنگاران لبخند زدند. احمدی‌نژاد در مقابل رسانه‌ها به صراحت گفت: «به‌عنوان یار کمکی به دوستانم در مجلس اضافه شده‌ام». منظور احمدی‌نژاد، همان «دوستان آبادگرانی» بود؛ دوستانی که بعدها خبرنگاری از حدادعادل پرسید: «گفته می‌شود که مجلس در مشت دولت است نه پشت دولت» و او در پاسخ گفته بود: «نه! ما پشت دولت هستیم». اما در واپسین روزهای مجلس هفتم کاسه صبر دوست احمدی‌نژاد هم لبریز شد و حدادعادل در نامه‌ای به مقام معظم رهبری، خواستار دخالت ایشان در مقابل رفتارهای احمدی‌نژاد شد. اگرچه هرگز حدادعادل به‌طور صریح تا پایان دولت دهم از رئیس‌جمهوری انتقاد نکرد و مدتی طول کشید تا حلقه یاران احمدی‌نژاد تنگ‌تر شود و فصلِ فصل فرا رسید و این بار کیهان تیتر زد «زنده‌باد کدام بهار!»...

همه علیه هاشمی

حسین مرعشی

آقای احمدی‌نژاد در فرایندی ویژه، رئیس‌جمهور ایران شد. درواقع نه بنده و نه هیچ‌یک از مسئولان کشور و نه مردم تصور نمی‌کردند چنین فردی بتواند رئیس‌جمهور شود. اما من قصد دارم از افق بالاتری به موضوع نگاه کنم. بحث اصلی، رأی‌آوردن احمدی‌نژاد در انتخابات سوم تیر ۱۳۸۴ نیست. باید موضوع از این زاویه مورد بررسی قرار گیرد. نهادهای نظارتی که مسئول احراز صلاحیت افراد در انتخابات مختلف هستند و برای ورود اصلاح‌طلبان به فرایند انتخابات و رأی‌آوری تا این‌حد سخت‌گیری می‌کنند، در آن مقطع چطور اجازه حضور محمود احمدی‌نژاد را می‌دهند؟ متأسفانه باید گفت نه امروز که آثار این اتفاق هویدا شده، بلکه همان‌زمان هم صلاحیت او برای نشستن بر صندلی ریاست‌جمهوری در نظام جمهوری اسلامی محل سؤال و حیرت بود. از این موضوع که بگذریم، باید به رقابت‌های درون‌گروهی و درون‌گفتمانی دو جناح عمده کشور رجوع کنیم. حضور چهار کاندیدا از جبهه اصلاح‌طلبان یعنی آقایان مهدی کروبی، مصطفی معین، محسن مهرعلیزاده و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی باعث شکستن رأی جبهه اصلاحات شد. از سویی دیگر حضور سه کاندیدای اصولگرا، آقایان علی لاریجانی، محسن رضایی و محمدباقر قالیباف، سبد آرای اصولگرایان را هم دچار تشتت کرد. از دل چنین رقابت گسترده درون و برون‌جناحی، محمود احمدی‌نژاد سر برآورد. در کنار همه این موارد، تخریب گسترده و سازمان‌یافته آیت‌الله هاشمی تأثیر بسیار زیادی داشت. متأسفانه جریان احمدی‌نژاد در آن مقطع و با استفاده از منابع مالی و امکانات شهرداری تهران دست به تبلیغات گسترده و تخریب علیه آقای هاشمی زدند و نهادهای مسئول هم در برابر آن سکوت کردند. پرونده‌های تخلفات مالی شهرداری تهران در دوره احمدی‌نژاد که عمدتا به موضوع انتخابات هم مربوط بود، مسکوت ماند و سوءاستفاده چندصد میلیاردی مالی و هزینه‌کرد آن در انتخابات سال ۸۴ هیچ‌وقت مورد رسیدگی قرار نگرفت. در آن مقطع یک نکته از نظر ما مغفول ماند و آن هم این بود که وقتی تمامی کاندیداها رقیب اصلی خود را آقای هاشمی می‌دانستند، چه موج عظیمی در مخالفت با هاشمی ایجاد می‌کرد. این نکته در کنار نقش گسترده و ویرانگر در پخش میلیونی شب‌نامه‌ها علیه آقای هاشمی حائزاهمیت بود. مسلم این بود که از سویی برخی ارگان‌ها، علاقه بسیاری به شکست آقای هاشمی در انتخابات داشتند و از سویی دیگر علاقه وافر آنان به پیروزی احمدی‌نژاد هم بر کسی پوشیده نماند.

احمد خورشیدی:

احمدی‌نژاد بدون زمینه رئیس‌جمهور شد

عکس: مهدی حسنی

مرجان توحیدی

احمد خورشیدی‌آزاد، پدر مهدی خورشیدی‌آزاد تنها داماد محمود احمدی‌نژاد است؛ فامیلی که خیلی زود از عرصه حامیان احمدی‌نژاد به صف منتقدان پیوست. او که دبیرکل «جمعیت خدمتگزاران انقلاب» است از جمله افرادی بوده است که در روزهای نخست ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد در نهاد موقت ریاست‌جمهوری حضور داشته و از آنجا که به گفته او شاهد پرونده‌سازی برای افراد و در راستای تنگ‌کردن حلقه علیه همه نیروها بوده، آنجا را ترک می‌کند. اختلاف بین او و خانواده احمدی‌نژاد به گفته خودش هم خانوادگی است و هم سیاسی. خورشیدی در همان مصاحبه اعلام کرد که در انتخابات سال ۸۸ به رضایی رأی خواهد داد. مهدی فرزندش بلافاصله آن مصاحبه را تحریک دیگران می‌داند. بیست‌وچند روز بعد از آن ماجرا، پدر در نامه‌ای از فرزندش اعلام برائت می‌کند که حالا پدر می‌گوید به سودش است تا تکذیب کند! البته خورشیدی درباره اینکه چگونه احمدی‌نژاد، احمدی‌نژاد شد، صرف نظر از کلیشه‌های ساده‌زیستی و مردم‌داری (پوپولیستی) می‌گوید که او بدون زمینه، رئیس‌جمهور شد.

چه اتفاقی رخ داد که محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری مطرح شد؟

جامعه ما همواره در انتخابات دوقطبی می‌شود و هربار که کفه این دوقطبی به طرف هر کاندیدایی سنگین‌تر شود، او پیروز میدان می‌شود. مثل همان دوقطبی که در انتخابات ۷۶ شکل گرفت و مبنای آن فضای باز سیاسی و فضای بسته سیاسی بود. در انتخابات ۸۴ دغدغه‌های مردم ساده‌زیستی، مبارزه با فساد و موضوعات معیشتی و اقتصادی بود. درواقع در یک طرف نماد بی‌عدالتی و گرایش لیبرالی و در طرف دیگر نماد اقتصاد مبتنی بر مردم و ساده‌زیستی معرفی و پیروز شد.

حضور او در شهرداری تهران چقدر به پررنگ‌شدن نام‌ونشان ایشان برای ریاست‌جمهوری کمک کرد؟

او وقتی شهردار شد، به جای آقای کرباسچی نشست که از نظر ارتباط با مردم صفر بود... . آنها حاضر به ارتباط با مردم نبودند. اما در زمان حضور احمدی‌نژاد در شهرداری، درهای مرکز به روی مردم باز شد. او به مناطق مختلف سر می‌زد و با مردم و کارکنان آنها ارتباط برقرار کرد. پای صحبت مردم می‌نشست. این رفتارها را مردم دیدند. چون دیدند که در شهرداری چه کارهایی انجام شده است؛ مثل همان پروژه دوربرگردان‌ها یا آسفالت‌کردن معابر در ۴۰ روز.

به‌نظر می‌رسد این اقدامات آقای احمدی‌نژاد پروژه‌ای تبلیغاتی بوده است... .

خیر، آن زمان ایشان در فکر حضور در انتخابات نبود. ایشان به کارهای فوری و فوتی عادت دارد. ما که خبر داشتیم از کارهای ایشان، تا سه، چهار ماه مانده به انتخابات او برنامه‌ای برای شرکت در انتخابات نداشت و نمی‌دیدم که کاری در این زمینه انجام دهد. البته این که فردی برای کاندیداشدن برنامه داشته باشد، قابل‌تقبیح نیست. یعنی هدفی را داشته باشد و براساس همان هدف هم جلو برود. اما او برنامه‌ای نداشت و اصلا مطرح نبود.

پس چه اتفاقی رخ داد که تصمیم به حضور گرفت؟

بعضی از دوستان شروع کردند به صحبت‌کردن با او.

چه کسانی بودند.

آقای زریبافان و آقای چمران. آنها با احمدی‌نژاد صحبت کردند و به احمدی‌نژاد گفتند شما در کار شهرداری تهران که یک‌سوم کار دولت است موفق بوده‌ای. چرا نمی‌خواهید در کسوت رئیس‌جمهوری به همه مردم خدمت کنید. مباحث مطرح شد و او قانع شد که به میدان بیاید.

احمدی‌نژاد در بین طیف اصولگرایان هم فرد مقبولی نبود. پس چگونه در نهایت از سبد این جریان به میدان آمد؟

اصولگرایان مباحث را معمولا این گونه جلو می‌برند که نظراتشان را متوجه نسل اول انقلاب می‌کنند؛ یعنی همان نسلی که در انقلاب ایفای نقش کرده و بعدا هم حضور داشته است مثل آقای هاشمی و امثالهم که سنشان بالای ۷۰، ۸۰ سال است. اصولگرایان به‌سختی می‌توانستند قبول کنند از نسل اول خود عبور کرده و در یک انتقال نسلی به نسل دوم برسند. از طرف دیگر احمدی‌نژاد هم آن موقع نشان داد با جناح‌ها و جریان‌ها موافق نیست و معتقد است مردم در اثر انقلاب از جناح‌ها عبور کرده‌اند.

یعنی شما می‌گویید آقای احمدی‌نژاد بدون برنامه‌ریزی وارد انتخابات ریاست‌جمهوری شد.

نمی‌توان گفت بدون برنامه‌ریزی بود. می‌توان گفت بدون زمینه رئیس‌جمهور شد. وگرنه برای انجام کار برنامه داشتند و کارهای فکری و کارشناسی می‌کردند.

درهمین‌باره؛ یعنی برنامه‌های ایشان درباره ریاست‌جمهوری، آقای ناطق نوری در مصاحبه‌ای گفتند که از احمدی‌نژاد دعوت شد تا بیاید و برنامه‌هایش برای ریاست‌جمهوری را ارائه بدهد. آمد و توضیحاتی داد. اما ظاهرا توضیحاتش را کسی متوجه نشد و وقتی از او دوباره خواستند توضیح بدهد به حالت قهر بیرون رفت و بعد از آن هم از شورای هماهنگی قهر کرد. ظاهرا برنامه‌های ایشان قابل‌فهم نبوده است.

البته نمی‌دانم که آقای ناطق چه گفته است و چقدر این مطالب درست بوده است. یک بحثی هم اینجا مطرح است. اگر آقای ناطق‌نوری تأثیرگذاری داشتند، تفکر موردنظر آنها مقبول مردم می‌شد. اینها حاضر نیستند که فرد جدیدی را بر سر کار بیاورند.

برنامه‌های احمدی‌نژاد را چه کسی می‌نوشت و تدوین می‌کرد؟

سر فصل‌های کار را خودش تدوین می‌کرد. او در دوره شهرداری تهران تجربه حضور در میان مردم را داشت و دیده بود این حضور با چه واکنشی از سوی مردم روبه‌رو می‌شود. سود این کار را دیده بود. در آمریکای‌لاتین و آمریکای‌جنوبی مثل کلمبیا و برزیل مدیرانی از این دست بودند که مشهور به مردم‌داری بودند.

جرقه دوقطبی هاشمی- احمدی‌نژاد از چه زمانی زده شد؟ درحالی‌که خانواده احمدی‌نژاد با خاندان هاشمی در ابتدای انقلاب ارتباط داشتند و احمدی‌نژاد از کارگزاران دولت هاشمی بود.

خیر، آنها ارتباط خانوادگی ندارند. احمدی‌نژاد فقط استاندار اردبیل بود. البته استاندار منتقد. نحوه تفکر و سلوک احمدی‌نژاد با هاشمی تفاوت دارد.

شما می‌گویید منتقد، اما ما چیزی از انتقاد احمدی‌نژاد در دوره خدمتش در دولت هاشمی ندیده‌ایم.

یکی از انتقادات احمدی‌نژاد به هاشمی درباره گران‌تمام‌شدن پروژه‌ها بود. به‌عنوان نمونه احمدی‌نژاد یک‌بار به من گفت در زمان استانداری اردبیل، برای سرزدن به هاشمی به تهران آمدم. آقای هاشمی می‌خواست برای افتتاح یک پلی که آن زمان سپاه در جنوب تهران ساخته بود، برود و من هم همراهش رفتم. هاشمی گفت فکر می‌کنی این پروژه چقدر تمام شده است و من هم یک عددی را گفتم و آقای هاشمی چندین برابر آن عدد را گفت و این جای بحث دارد. احمدی‌نژاد و هاشمی یک جا تعریف نمی‌شوند.

شما با اینکه در زمره طرف‌داران احمدی‌نژاد بودید، اما به نقادان او پیوستید. چه اتفاقی افتاد و نقد شما به چه مسائلی بود؟

یک بخشی از انتقادات خانوادگی بود و یک بخشی هم سیاسی. نقد من به یک سری از انتصاب‌های او بازمی‌گشت به‌ویژه درباره استانداران. افرادی که به‌کار می‌گماشت حتی سابقه فرمانداری هم نداشتند یا حتی در انتخاب وزرا هم همین رویکرد را داشت. درست است که او قصد داشت چرخش مسئولیتی انجام دهد و جابه‌جایی نسلی کند، اما نمی‌توان نیروهای جوان آموزش‌ندیده و بدون توجیه را بر سر کار گذاشت و بعد هم سریع آنها را برکنار کرد.

چگونه موضوع را گفتید و چه برخوردی شد؟

من خودم از کنار ایشان رفتم. ایشان اصرار داشتند که بمانم. کمک‌های زیادی هم به ایشان کردم. یک طرح جامع درآمدزایی به ایشان دادم که شامل طرح‌های کارگاه‌های کوچک زودبازده، مشاغل خانگی و روستایی می‌شد. این طرح باعث شد ۳۷ هزار میلیارد تومان به مردم در قالب طرح‌های زودبازده وام داده شود. البته این طرح نزدیک به ۴۵ یا ۴۶درصد انحراف داشت. البته مثل همین یارانه‌ها. در طول دوره شاهنشاهی ایران یک ریال هم به مردم پول نداده بودند.

ظاهرا بخشی از اختلافات خانوادگی شما و احمدی‌نژاد باید موضوع فرزندتان مهدی باشد. شما در نامه‌ای در سال ۸۸ از فرزند خود اعلام برائت کردید؟

کدام نامه؟

نامه سال ۸۸.

خیر، آن‌موقع این موضوع در ارتباطات تأثیری نداشت.

یعنی آن نامه را تکذیب می‌کنید؟!

به سودمان است تکذیب کنیم. (با خنده)

ادامه از صفحه اول

سود سرشار قطر نسبت به ایران در پارس جنوبی

براین‌اساس، با توجه به راه‌اندازی کامل فاز ۱۲ پارس جنوبی، به‌عنوان بزرگ‌ترین فاز این میدان و شروع تولید فازهای ۱۶، ۱۵ و ۱۷، ۱۸، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۵ میلادی، میزان برداشت ایران از این میدان حداکثر ۳۰ میلیارد مترمکعب افزایش پیدا کند و به میزان ۱۲۵ میلیارد مترمکعب برسد. همچنین با توجه به برنامه‌ریزی صورت‌گرفته برای راه‌اندازی فاز ۱۹ و متعاقب آن سایر فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ و تعهد دولت برای تکمیل کلیه فازهای پارس جنوبی تا انتهای دولت یازدهم (سال ۲۰۱۷)، پیش‌بینی می‌شود در انتهای سال ۲۰۱۷، میزان تولید ایران از این میدان با افزایش حداکثر ۴۵ میلیارد مترمکعب به سطح ۱۷۰ میلیارد مترمکعب افزایش پیدا کند و در صورت توسعه‌نیافتن بیشتر برداشت قطر، به میزان برداشت کنونی آن کشور نزدیک شود. دراین‌بین باید امیدوار بود مشکلات مربوط‌به تأخیر در میدان و افت فشار ناشی از مهاجرت منابع هیدروکربوری در نتیجه برداشت بی رویه کشور قطر، تأثیری در میزان تولید فازهای جدید و قدیم پارس جنوبی نداشته باشد. بااین‌حال، با توجه به تأخیرات فراوان ایران در شروع بهره‌برداری و توسعه این میدان مشترک که ضرر بسیار زیادی را متوجه ایران کرده است، دستیابی به سهم ازدست‌رفته ایران در لایه‌های گازی این میدان در سال‌های آتی بسیار پرچالش خواهد بود. این منتفع‌نشدن بدون درنظرگرفتن مواردی همچون توسعه‌نیافتن لایه نفتی، هلیوم، خام‌فروشی میعانات گازی، مصرف داخلی گاز طبیعی با قیمتی به‌مراتب پایین‌تر از قیمت واقعی و همچنین مهاجرت منابع هیدروکربوری به طرف قطر است. قطعا با محاسبه میزان بهره‌برداری قطر از این جنبه‌ها، میزان هزینه‌های تحمیل‌شده به کشور بسیار فراتر از آن چیزی است که در این نوشتار آمده است. امید است با تلاش دولت تدبیر و امید و رفع هرچه‌سریع‌تر تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه کشور و برداشته‌شدن موانع قانونی، هرچه‌سریع‌تر بتوان از هدررفت این سرمایه عظیم ملی، که می‌تواند نقش بسزایی در توسعه و آبادانی کشور داشته باشد، جلوگیری کرد.

منهای پایتخت

انهدام باند قاچاق انسان در مرند

● **ایسنا؛ تبریز:** حسین فتاحی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرند، گفت: اتباع بیگانه دستگیرشده در شهرستان مرند، با حکم قضائی روانه زندان شدند. او افزود: در پی اعلام گزارش مبنی بر ورود اتباع بیگانه به خاک ایران به صورت غیرمجاز و قاچاق، دستور قضائی به نیروهای نظامی و انتظامی درباره شناسایی و دستگیری آنها صادر شد که عوامل پلیس امنیت نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پی ایجاد تورهای ایست و بازرسی و امنیتی، موفق به شناسایی و دستگیری ۵۵ نفر از اتباع بیگانه کشورهای افغانستان و پاکستان شدند. فتاحی گفت: دو نفر از قاچاقچیان انسان نیز که در حین انتقال اتباع خارجی به کشور ترکیه بودند، دستگیر و با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

افزایش رسیدگی به پرونده‌های قضائی نیروهای مسلح در قم

● **تسنیم؛ قم:** حسین صیدی، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان قم، گفت: رسیدگی به پرونده‌های قضائی نیروهای مسلح قم نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است. او با اشاره به اینکه این سازمان در راستای ماده ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده، افزود: سازمان قضائی نیروهای مسلح تنها سازمان اختصاصی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان قم با اشاره به اینکه این سازمان وظیفه رسیدگی به جرائم خاص انتظامی و نظامی کارکنان مسلح را دارد، افزود: این سازمان همچنین بحث پیشگیری از جرم را با جدیت پیگیری می‌کند که ورودی پرونده‌ها هم نشان از کاهش جرائم نظامی و انتظامی دارد. صیدی با اشاره به اینکه شش قاضی در سازمان قضائی نیروهای مسلح مشغول فعالیت هستند، افزود: سه قاضی در دادگاه و سه قاضی در دادسرا مشغول فعالیت هستند.

زمینه‌ای برای حضور داعش در سیستان‌وبلوچستان نیست

● **فارس؛ زاهدان:** محمد مرزیه، دادستان عمومی و انقلاب زاهدان، گفت: زمینه‌ای برای حضور داعش در سیستان‌وبلوچستان وجود ندارد. او افزود: از ابتدای امسال تاکنون از عناصر گروهک‌ها دستگیری‌های زیادی توسط نیروهای سپاه، اطلاعات و انتظامی داشته‌ایم و موفقیت‌های بسیاری کسب کرده‌ایم، اما هیچ فردی وابسته به داعش دستگیر نشده و هرگونه خبر در این زمینه صحت ندارد. او ادامه داد: جمهوری اسلامی بر مرزهای خود تسلط لازم را دارد و ضمن تشدید مراقبت‌ها اجازه نمی‌دهد که این استان تهدیدی برای نظام باشد.

۲۸ حکم آماده اجرا در حوزه ساخت‌وساز غیرمجاز در گلستان

● **فارس؛ گرگان:** حجت‌الاسلام مصطفی حقی، دادستان گلستان، کم‌کاری دستگاه‌های اجرائی را دلیل وضعیت بغرنج در زمینه ساخت‌وسازهای غیرمجاز ذکر کرد و گفت: درحال‌حاضر ۲۸ حکم آماده اجرا در حوزه ساخت‌وساز غیرمجاز وجود دارد. او افزود: ۴۰۰ حکم اجرانشده در زمینه ساخت‌وسازهای غیرمجاز در کل استان وجود داشت که صد حکم آن مربوط به شهرستان گرگان بود. او ادامه داد: از نیمه دوم سال ۱۳۹۳ اقدام به اجرای احکام شد و تاکنون ۹۰ حکم تخریب بنای غیرمجاز در شهرستان گرگان اجرا شده است و چند حکم باقیمانده برای افراد مستضعف بوده که تعیین وضعیت خواهد شد.

(فرآورده های نفتی سرمایه ملی است)

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۴/۱۶۴۵

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران– مدیریت بازرگانی

موضوع: مناقصه خرید تعداد ۳۴۰/۰۰۰ قطعه پلمب سیم بکسلی

طی تقاضای شماره DSS-94002-TR

تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه گران

از تمامی تولیدکنندگان مرتبط با کالای مناقصه دعوت می گردد حداکثر ظرف مدت دو هفته از تاریخ انتشار آخرین آگهی روزنامه با مراجعه به سایتهای WWW.MONAGHESE.NIOPDC.IR، WWW.IETS.MPORG.IR بخش مناقصات ستاد نسبت به تکمیل فرم ارزیابی کیفی مربوط به مناقصه گران اقدام و این فرم را به همراه سایر مدارک درخواستی به اداره خریدهای داخلی این شرکت واقع در تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، روبروی پارک هنرمندان، جنب خیابان برادران شاداب، پلاک ۱، طبقه دوازدهم تحویل نمایند. تلفن های تماس: ۸۸۳۲۷۰۸۵-۸۴۱۲۱۱۳۰

تضمین شرکت در مناقصه: ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی و یا اصل رسید وجه واریزی مبلغ ۷۶/۱۶۰/۰۰۰ ریال به حساب این شرکت قابل قبول می باشد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

(درست مصرف کنیم تا همیشه مصرف کنیم)